

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۲۷۰ • نامبر: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم • تلفن: ۴۴۵۲۳۷۲۵

www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۶ تیر ۱۴۰۱ • ۲۷ ذی‌القعده ۱۴۴۳ • ۲۷ ژوئن ۲۰۲۲ • سال نوزدهم • شماره ۴۳۱۳ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۷ • اذان مغرب ۲۰:۴۵
اذان صبح فردا ۴:۰۴ • طلوع آفتاب ۵:۵۱

# شرق

**محاکمه- ایرج قادری - ۱۳۸۵**

همسر حمید (افسانه بایگان):

همیشه همین‌طوره وقتی قراره کسی رو بکشید و یا ... همه کار از دستتون برمیاد؛ اما وقتی قراره کسی رو نجات بدین اون وقت لنگ می‌زنین. اون وقت می‌شین به بشر عاجز و ناتوان، تو این دنیا گرفتن جون خیلی آسون‌تره.

**دیالوگ روز**

**زمین‌خوانی**

**چرا با زلزله افغانستان همدردی نشد**

## محنتی که قورت داده شد

**مینا نصر:** افغانستان کشوری به‌شدت زلزله‌خیز است و دست‌کم در سه دهه گذشته بر اثر زلزله، بیشتر از ۱۰ هزار نفر در آن کشته و زخمی شده‌اند و هزاران خانواده سریناه‌شان را از دست داده‌اند.

زلزله در خوست و پکتیکا و ننگرهار و کشته و مصدوم‌شدن نزدیک به هزار نفر، با واکنش‌های متفاوتی از سوی شهروندان روبه‌رو شد.

دو مسئله بیش از پیش جلب توجه کرد:

- واکنش‌ها و احساسات منفی و مثبت و متفاوت افغانستانی‌ها نسبت به یکدیگر

- نوع برخورد و واکنش طالبان نسبت به این حادثه غمگین. فاجعه‌ای که در پکتیکا و خوست، جان دست‌کم هزار انسان را در چشـم‌به‌هم‌زدنی گرفت، صدها خانه محقرانه روستایان فقیر و تنگدست را به آوار تبدیل کرد و صدها مجروح به جا گذاشت، رخداد جدیدی نیست. جنگ، جنوب و شرق قربانیانی خاصه در ۲۰ سال اخیر، هر روز به‌طور میانگین صد کشته و مجروح روی دست مادران و خانواده‌های افغانستان گذاشته است. از این میان، سـوم ولایات جنوبی و شرقی از خون، فقر، بی‌سوادی، عقب‌ماندگی و آسیب‌های گوناگون ناشی از جنگ بیش از سایر مناطق کشور بوده است، اما همواره مورد بی‌توجهی و بی‌مهری قرار داشته‌اند. جنوب و شرق قربانیانی بوده‌اند که حتی از همدردی و درک‌شدن رنج‌شان نیز محروم بوده و در سکوت و تهایی و درماندگی، محنت‌شان را قورت کرده است. به اختصار، یکی از عوامل و مسببان اصلی بی‌توجهی سایر بخش‌های افغانستان به رنج‌ها و محنت‌های عمیق و خانمان‌سوز جنوب و شرق، کسان و گروهک‌هایی مثل ملاعمر و ملا هبت‌الله و اشرف‌غنی و امثال آنها بوده‌اند.

کسانی که با رویکردهای قبیله‌ای، فاشیستی و غیرانسانی در سیاست و مناسبات قدرت، احساس همدردی و رابطه انسانی میان آدم‌ها را از بین بردند. حتی در بحبوحه همین فاجعه جگرخراش، آثاری از قهر و بی‌میلی به همدردی با مشرقی و حتی یک رضایت‌پنهان از آنچه در آن استان‌ها رخ داده است، قابل رصد است.

چنین برخوردی با قربانی و آسیب‌دیده منصفانه نیست اما عواملی دارد. دم‌دست‌ترین مصداق آن، انسان‌کشی و بیداد است که از ماه‌ها به این سو در پنجشیر و اندراب‌ها و در سراسر کشور به صورت کل روی دست گرفته شده و مسببان و عوامل آن کسانی هستند که به لحاظ جغرافیا، تبار و فرهنگ اکثر به جنوب و شرق تعلق دارند. افغانستان هر چند هیچ‌گاه یک دولت-ملت متحد و یکدست نبوده اما دست‌کم روابط عاطفی و همدردی طبیعی میان‌انسانی در روان مردمانش جاری بود. اکنون به بدیمنی حضور و استیلای موجوداتی مثل طالب، حتی همان همدردی غریزی و طبیعی انسانی نیز میان ساکنان آن دیار در حال افول است. طبیعت -که مسبب این زلزله است- را نمی‌توان مجازات و تنبیه کرد اما عاملان کشتارها و جنگ‌های خانمان‌سوز و مجربان مانیفست وحشت و بربریت نه تنها مجازات نشدند و نمی‌شوند که همواره کاخ‌نشین بوده‌اند و غرق در ثروت و مکنک و عیش و عشرت.

برخورد طالبان بعد از زلزله هم ورای ایسن واقعیت نبود. پس از حادثه زلزله، در رژیم طالبان چون هیچ تجربه‌ای در امر امدادرسانی و مدیریت بحران در اثر حوادث طبیعی ندارند، جز تقلیل وضعیت به مسائل دینی و آرزوی بهشت برین برای گشته‌ها که در بین مردم تبلیغ می‌شود، عملا هیچ رفتاری که همدردی و غم‌شیریکی آنان را با مردم این نواحی نشان بدهد، دیده نمی‌شود. طالبان که کاری جز انتحار و انفجار و سرکوب زنان و اقلیت‌ها نداشتند، در رویارویی با این پدیده ناکارآمدی و ضعف آشکار خود را به نمایش گذاشتند.



# گفت‌وگو در پيله

## آن تقلاي طاقت‌فرسای انسانی در مواجهه با کرونا از یاد رفته است ؟



**بابک زمانی**

**نورولوژیست**

آقای رئیس دانشگاه در گفت‌وگو با رئیس جمهور مطالب عجیبی گفته است. رئیس‌جمهور در بازتاب آن سخنان چنان به وجد آمده که شنوندگان از حیرت مبهوت و میخکوب ماندند؛ حیرت بیش از مخالفت بود! کسی گفتمانی تا به این حد خارج از واقعیت را از چنین افرادی باور نمی‌کرد. کسی باور نمی‌کرد رئیس بهداری شهری که همه در یاد دارند چگونه در آتش کرونا می‌سوخت، آن مصیبت و آن تقلاي طاقت‌فرسای انسانی را فراموش کرده باشد. جوانان طیب و پرستاری که در آتش شرف و انسانیت خاکستر شدند، فراموش‌شدنی نیستند. آنها اولین‌ها بودند. کسی آن دختر زیبای کلاچای را فراموش نمی‌کند که در لاهیجان در مراقبت از بیماران همچون پروانه سوخت و تندیس زیباییش تا ابد در دهکده رنج و برنج کنار مردمی که در پنجشنبه‌بازار شلوغ آواز زندگی خواهند خواند، برقرار خواهد ماند. سیمای آن پزشک اورژانس، آن دکتر مهربان که در شهر رشت در اوج تلاش در خاک افتاد و... را کسی فراموش نمی‌کند. اینها درس شرف و انسانیت را از آن خاک حاصلخیز گرفتند که تلاش را همواره پاسخ می‌دهد و درس طب را از دانشکده طب و مکتب طبیان مردمی کشور و آن دیار گرفتند که با زرچه و فریاد زیست‌اند و آنها را به خوبی می‌شناسند!

کسی باور نمی‌کرد افتخار این پایمردی را به حساب دیگران بنویسد. درحالی‌که جامعه بین‌المللی پزشکی همواره با نقد، نظارت و پالایش هر چه دقیق‌تر روش‌های درمان کرونا و بیماری‌های هم‌زمانش و انتشار بین‌المللی نتایج مطالعاتش توانست بحران کرونا را کنترل کند، اما آنها حتی به ارزش نقد گفته‌هایشان که حداقل ارزش انسانی است نیز پی نبردند.

در آن گفت‌وگو که رئیس بازگویی می‌کرد، گویی به زبانی دیگر سخن گفته بودند. گویی تازه داشتند بر این خاک سوخته از کرونا نگاهی می‌انداختند و بر قلب‌های زخمی التیام‌نیافته قدم می‌گذاشتند. گفت‌وگویی بود با زبانی خاص که تنها خود اشارتش را درمی‌یافتند.

راستی چرا تصمیم‌گیران با گفتن ما آن قدر بیگانه شده‌اند؟ چرا عواطف و احساسات ما جایی در رفتار و گفتار آنها پیدا نمی‌کند؟ واقعیت آن است که رئیس یک دانشگاه در همه جای دنیا با کاملا نماینده و برگزیده دانشگاهیان است یا منتخبی است از میان برگزیدگان دانشگاهیان که دولت منصوب می‌کند. با چنین قراری است که جمهور و رؤسای آن، هم از آنچه دانش می‌گوید، مطلع می‌شوند و هم از آنچه

**گزارش**

# روزگار توقیف‌های ادامه‌دار

آیا حاشیه‌های کن ادامه دارد؟ این سوالی است که به دلایل مختلف پرسیده می‌شود. دیروز خبری درباره توقیف تئاتر «شب شک» در سالن «شهرزاد» که «نوید محمدزاده» تهیه‌کننده آن بود، منتشر شد. کارگردان جوان آن «امیرحسین بریمانی» که برای چهارمین بار می‌خواست این اثر را روی صحنه ببرد، از طریق مدیران سالن «شهرزاد» مطلع شد که بلیت‌فروشی آن بسته شده است. او به ایسنا می‌گوید: «مرکز هنرهای نمایشی به سالن اعلام کرده که بلیت‌فروشی نمایش‌مان بسته شده است و ما هم منتظریم از سوی مرکز هنرهای نمایشی برای تشکیل جلسه و گفت‌وگو درباره این موضوع خبرمان کنند». او توضیح می‌دهد که حدس گروه این است که دلیل این مسئله به حضور نوید محمدزاده در جشنواره کن برمی‌گردد. این نمایش قرار بود برای چهارمین بار روی صحنه برود و شنبه چهارم تیر ماه اولین اجرای خود را در سالن «شهرزاد» انجام داده بود؛ اما از صبح روز یکشنبه بلیت‌فروشی آن تعطیل شد. در پی توقف بلیت‌فروشی این اثر نمایشی، روابط‌عمومی اداره کل هنرهای نمایشی اعلام کرد: «عدم کسب مجوز تمدید و تبلیغ نمایش، همچنین پخش بدون مجوز تبلیغات نمایش در بسترهای مختلف فضای مجازی، موجب بسته‌شدن موقت سایت فروش بلیت نمایش از طرف اداره کل هنرهای نمایشی شده است. بدیهی است این مشکل با حضور کارگردان و رفع ابهامات موجود برطرف خواهد شد.»

حالا باید منتظر ماند و دید که این جلسه کی و چگونه برگزار می‌شود و نتیجه آن چه خواهد بود؟

**توقیف‌های دیگر**

در این مدت البته غیر از اعلام قطعی توقیف فیلم «برادران لیل» به کارگردانی سعید روستایی از طرف وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، به نظر می‌رسد فیلم‌های دیگری در مرحله توقیف و نیمه‌توقیف هستند که در چند روز گذشته اسامی چند تا از آنها از سوی خبرگزاری ایسنا به دلایل مختلف اعلام شده است. به گزارش ایسنا، در بین بازیگران سینما چهره‌های زیادی هستند که دست‌کم یک فیلم توقیفی دارند؛ مثل لیل حاتمی (قاتل و وحشی)، امین حیایی (قاتل و وحشی)، فاطمه معتمدآریا (صد سال به این سال‌ها)، مریلا زارعی (خرس و گزارش یک جشن)، پرویز پرستویی (خرس و صد سال به این سال‌ها)،



♦ بزرگ‌ترین گلیم جهان در اندازه ۱۰۵متر مربع با هفت بافنده ثابت و سه کمک بافنده در مدت زمان ۴۰روز در روستای هورز شهرستان قیر و کارزین استان فارس بافته شد. عکس: فرزانه خخماق ساز / باشگاه خبرنگاران جوان

**سایبرخوانی**

## مظاهر مدرن بدون کارکردهای مدرن



**سامک قاجار قیونلو\***

ما در این نوشته‌ها که اکنون قسمت پنجم و آخر آن پیش‌روی شماست، پیش از توصیف ارکان حقوقی فضای سایبر و فرایندهای ملی و بین‌المللی تبیین و تدوین نظم حقوقی، مبانی نظری توسعه حقوقی و بلوغ حکمرانی را که پیش‌نیاز تقنین این عرصه است، توضیح خواهیم داد. توصیف دقیق پرسش‌های مرتبط با تقنین مؤثر این عرصه، در اینکه مجموعه قوانین حقوق اطلاعاتی در ایران که اصولا باید برای توسعه اقتصاد دانش‌محور تدوین شده باشند، آیا منطبق با نورم‌های این رشته است؟ آیا مقررات فعلی می‌تواند استعدادهای بالقوه این فضا را به نفع توسعه اقتصادی و آسایش عمومی آزاد کند؟ آیا می‌توان با اجتناب از بیمودن راه‌حل‌های جهانی این رشته، صرفا با تکیه بر استعدادهای بومی، فضای سایبر را قانونمند کرد؟ تجربه کشورها به ما چه می‌آموزد؛ کشورهای پیشرفته، درحال‌توسعه، کشورهای با نظام اقتدارگرا مانند چین و کشورهای متمایل به سیستم حداکثری کنترل پیش‌نیازهای ضروری تدوین قوانین سایبر کدام‌اند؟ دکترین‌های حقوقی مناسب جامعه صنعتی چیست و آیا می‌توان بدون این دکترین‌ها، بنیان‌های حقوقی جامعه فراصنعتی -و اکنون عصر تلفیق- را با موفقیت استوار کرد؟ آیا دیدگاه فکری ناظر بر مدیریت کشور منطبق با پیش‌نیازهای این عرصه هست؟ آیا طرح صیانت، طرح الزام به انتشار داده و سایر این‌گونه طرح‌ها قادر است مسائل و مشکلات این فضا را به نفع توسعه و پیشرفت کشور و بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی تأمین کند؟ اگر نه، چرا؟ و ...

شکی نیست که برای ایجاد یک صنعت می‌توان تجهیزات پیشرفته وارد کشور کرد و در مدتی معین و از پیش برنامه‌ریزی‌شده، کارخانه‌ای -هرچند عظیم- برپا کرد؛ اما قانون (نظریه، قانون و اجرا) را نمی‌توان همچون کالای فیزیکی به کشور وارد کرد و انتظار داشت در مدت معین و مشخص، روابط و مناسبات جامعه بر اساس اهداف آن قانون محقق شود. بینش صحیح از اوضاع و احوال، مقصود نیکو از آن، فرایند تصویب مبتنی بر تعاطلی افکار، تقنین علمی و تخصصی، ترویج ادبیات موزون آن، آموزش تمامی سطوح از شهروندان تا مجربان و کارسازی فراکرد منطقی و اداری برای اجرای مؤثر و ده‌ها کوشش نفس‌گیر، نکته و چالش پیش‌رو و «باید و اگر» می‌بایست تا یک نظریه به قامت کدهای قانونی بتواند اهداف آن قانون را محقق و اجرا کند و فلسفه‌ای را که از وضع آن منظور بوده، به‌راستی پایدار کند و فاجعه اگر در بدو کار، قانونی ناموزون (اشتباه) یا شبه‌قانون (قوانین منع و نهی) نوشته و تصویب شده باشد... در این صورت این همه تلاش برای نیل به اهداف آن قانون از پیش محتوم به شکست و بدتر از آن، در زمینه‌ای که تازه آغاز راه و موضوع آن مربوط به ساختارهای به‌طور مداوم درحال‌توسعه و تغییر است، کار دوصد چندان دشوار خواهد شد.

وضع و عرصه تقنین به‌طور کلی چنین سخت است و عرصه تقنین فضای سایبر سخت‌تر از آن؛ چون ذات فرامرزی قانون‌ها و اجرای آن، کوشش‌های ما را به اجبار در چارچوب‌های استاندارد و قابل فهم جهانی محصور کرده و زمینه‌های بومی این عرصه را کم‌رنگ می‌کند. همین مسئله، برای نظام حقوقی-سیاسی ایران که شدیداً مایل است از هنجارهای به‌اصطلاح بومی پیروی کند، چالشی مهم محسوب می‌شود. البته همواره می‌توان بدون توجه به استانداردهای این عرصه و صرفاً با دیدگاه‌های سنتی قانون نوشت؛ چنان‌که قانون جرائم رایانه‌ای، حمایت از پدیدآورندگان نرم‌افزار، قانون انتشار و... نوشته شد؛ اما در دنیای مجازی که به حکم معماری، طراحی فنی و حقوق بین‌الملل، همه باید به زبانی استاندارد سخن بگویند، نوشتن چنین متونی عین نوشتن آنها و بدتر از آن، موانع مهم پیشرفت و توسعه خواهد شد.

♦ **ویدال کاستری و پژوهشگر در حقوق توسعه**

و بعضی‌هم که در انتظار مجوز بودند، مثل «خرس» و «قصیده گاو سفید» قاچاق شدند.

**کلک سینماکنده‌است؟**

یکی دیگر از دغدغه‌های امروز سینماگران شرایط روز سینماست. اظهارنظرها به محدودیت‌های جدید اشاره دارد شاید با لحن طنز. مثل مهران احمدی یکی از بازیگران فیلم «روز ششم» که در مراسم اکران مردمی گفت: «این روزها اوضاع سینما مانند سایر بخش‌ها خوب نیست و به نظر می‌رسد با این وضعیت در دو سال آینده کلک سینما کنده است و ما باید به دنبال کار دیگری برویم. من اتفاقاً آشپز خوبی هستم و شاید بتوانم در آینده به جای فعالیت در سینما آشپزی کنم؛ اما همچنان امیدوارم که اوضاع سینما بهتر از این بشود.» علیرضا رئیسیان که اینک وارد عرصه تهیه‌کنندگی تئاتر شده، معتقد است: «مدیران فعلی در هیچ رده‌ای دانش سینمایی و شناخت دقیق و درست و حتی ایده‌ای برای چگونگی مدیریت خود ندارند. البته برای ما که روشن است و این مسیر، مسیر به سرانجام خوب رسیدن نیست؛ ولی به هر حال ایده‌ای است که هم در تلویزیون، هم در شبکه نمایش خانگی و هم سینما به صورت هماهنگ در حال اجراست؛ یعنی سخت‌گیری‌های بسیار شدید و از طرف دیگر حمایت لازم صرفاً فضا را برای همان دو مدل فیلمی که توضیح دادم، مهیا می‌کند. این وضعیت اکثر فیلم‌سازان متکی به درام اجتماعی یا فیلم‌های حرفه‌ای مستقل را تحت فشار می‌گذارد.»

عباس رافعی هم که در دو سال گذشته به دنبال گرفتن مجوز اکران فیلم «غیبت موجه» بوده، گفت: «به‌تازگی بحث خودی و غیرخودیی در سینما دوباره سر باز کرده است و می‌گویند فلانی خودی است و هرچه بسازد، اشکالی ندارد؛ ولی اگر یک فیلم‌ساز اجتماعی دغدغه‌مند، بخواهد یک دغدغه اجتماعی را مطرح کند، نمی‌تواند. به نظر رئیس سازمان سینمایی هرچه فضا را محدودتر و تنگ‌تر کند، متأسفانه سینمای ملی و اجتماعی ما از بین می‌رود؛ درحالی‌که همیشه می‌گویند یک راه‌گزینی بگذارید.» اینکه ریل‌گذاری جدید مسئولان سبب چه تغییرات و محدودیت‌هایی در سینما خواهد شد، در ماه‌های آینده تأثیرات خود را خواهد گذاشت.

رضا کیانیان (گزارش یک جشن و صد سال به این سال‌ها)، طناز طباطبایی (ارادتمند: نازنین، بهاره و تینا و گزارش یک جشن)، نیکی کریمی (خیابان‌های آرام) و اخیراً ترانه علیدوستی، نوید محمدزاده، پیمان معادی (برادران لیل)، در میان این اسامی تقریباً می‌توان گفت که پرویز پرستویی و فاطمه معتمدآریا رکورددار هستند و در طول دوران کاری خود بیشتر با توقیف فیلم‌های‌شان مواجه شده‌اند و حالا به نظر می‌رسد رضا عطاران را هم که در سال‌های گذشته، حضورش در یک فیلم فروش آن را تضمین می‌کرد، باید به این



اسامی اضافه کرد. سال ۱۳۹۹ و در بحبوحه شیوع کرونا رضا عطاران دو فیلم «شیشلیک» به کارگردانی محمدحسین مهدویان و «روشن» را به کارگردانی روح‌الله حجازی در سی‌ونهمین جشنواره فیلم فجر داشت؛ اولی یک فیلم کم‌دی و دومی یک فیلم اجتماعی؛ اما گویا «روشن» که سیمرخ بلورین بهترین بازیگر نقش اول مرد را برای عطاران به همراه آورد، وارد فهرست توقیفی‌ها شده است؛ اما نکته جالب توجه، بعضی اظهارات متناقض مسئولان سینمایی است که تأکید دارند، سازمان سینمایی در پی توقیف و ایجاد مانع برای اکران فیلم‌ها نیست؛ اما در عمل اجازه اکران آنها صادر نمی‌شود؛ حتی آنهایی که از دولت قبل پروانه نمایش دارند، مثل «چپ، راست» و «شیشلیک». همچنین پروانه برخی فیلم‌های مجوزدار هم لغو شده